

بازداشت متهمان به همکاری با القاعده در خلیج گوانتانامو

چالشی در تفسیر ادبی قانون*

نویسنده: مایکل جی. دی. سوینی ***

مترجم: دکتر علی قاسمی ***

چکیده: به دنبال واقعه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ و اشغال افغانستان توسط نیروهای نظامی ایالات متحده آمریکا حوادث گوناگون دیگری نیز به وقوع پیوست که هر یک از آنها از دیدگاه حقوق بین‌الملل قابل بحث و بررسی علمی است. یکی از این موارد ماجرای کمپ دلنا است، زندانی که ایالات متحده در خلیج گوانتانامو مهیا ساخته و رزمندگان دستگیر شده افغانی در طی جنگ را در شرایط بسیار سخت و دشوار در آن نگهداری می‌کند. در مقاله حاضر، با توجه به منابع مختلف حقوق بین‌الملل به ویژه چهار کنوانسیون ۱۹۴۹ ژنو (که دو دولت افغانستان و آمریکا آن را تصویب

* Michael J.D. Sweeney, "Detention at Guantanamo Bay - A Linguistic Challenge to Law", Human Rights American Bar Association, Winter 2003/ pp.15-17.

*** اسناد حقوق و عضو سابق مرکز بین‌المللی حقوق بشر ژوزف آر. کرویلی (Joseph R. Crowley) دانشکده حقوق دانشگاه فوردهام آمریکا.

*** عضو هیأت علمی و معاون آموزشی دانشکده علوم قضایی و خدمات اداری.

کرده‌اند) واقعه مذکور و وقایع مربوط به آن مورد تجزیه و تحلیل حقوقی قرار گرفته و از جمله در خصوص مفاهیمی نظیر مجرم یا رزمنده، شأن انسانی، و وضعیت حقوقی نامعلوم، بازجویی، و آثار ناشی از آنها که به طریقی در موضوع حاضر با آن مواجه هستیم بحث گردیده است. این موضوع بررسی نمونه‌ای علمی از وقایعی است که در استنباط بهتر کنوانسیون‌های مذکور و چالش‌های حقوقی مرتبط با آن مفید و مؤثر می‌باشد.

کلید واژه‌ها: کنوانسیون‌های ژنو، خلیج گوانتانامو، نقض، مجرم، رزمنده، اسیران جنگی، زندان، نص و روح کنوانسیون.

درآمد

زندانی را مجسم کنید که سلول معمولی آن کمتر از دو متر است - حدوداً یک متر در یک جهت و یک و نیم متر در جهت دیگر - این جایی است که زندانیان در آن به سر می‌برند و یا جلسات بازجویی آنها - به مدت ۴۵ دقیقه در هفته آن هم به صورت دو یا سه جلسه ۱۵ دقیقه‌ای - برگزار می‌شود. زندانیان در همان‌جا حمام و استراحت می‌کنند و فعالیت‌های ورزشی خود را انجام می‌دهند و هر وقت که سلول‌شان را ترک می‌کنند غل و زنجیر دارند. اجتماع میان آنها اکیداً ممنوع، و ارتباطاتشان با جهان خارج بسیار محدود است. برای درک بهتر زندگی در این زندان یکی از مأموران آن به خبرنگار بی‌بی‌سی این طور می‌گوید که «تصور کن ۲۴ ساعت زندانی باشی... و ندانی چه اتفاقی قرار است بیفتد، حتی ندانی که چرا در زندانی.»

اگر توصیف بالا شما را به تصور زندانی با تدابیر امنیتی شدید برای خطرناک‌ترین مجرمان برساند، کاملاً درست خواهد بود؛ در حالی که ساختمان مذکور، کمپ دلتا، بازداشتگاه ایالات متحده در خلیج گوانتانامو

است؛ جایی که بیش از ۵۵۰ «رزمنده دشمن»^(۱) که در طی جنگ در افغانستان دستگیر شده‌اند توسط دولت آمریکا نگهداری می‌شوند. از بین مراجع ذی‌ربط، سازمان عفو بین‌الملل و کمیته حقوقدانان حقوق بشر، شرایط زندان گوانتانامو را حتی از شرایط زندان‌های دارای تدابیر امنیتی شدید ایالات متحده دشوارتر توصیف کرده‌اند.

۱. مجرم یا رزمنده

اکثر زندانیان محکوم یا حتی تفهیم اتهام نشده‌اند؛ آنها «رزمندگان دشمن» هستند یعنی سربازانی که علیه ارتش آمریکا جنگیده‌اند. براساس حقوق بین‌الملل، اشتغال به اقدامات خصمانه شدید (یعنی اعمال امتیاز متعلق به رزمنده مبنی بر اینکه بکش، پیش از آنکه کشته شوی) «جرم» نیست، مگر آنکه سربازان در خلال درگیری مرتکب جرائمی نظیر تجاوز به عنف یا کشتن غیرنظامیان یا دشمنان محاصره شده شوند که این قبیل اقدامات به عنوان جرم قابل مجازات است.

اگرچه رزمندگان دشمن مجرم نیستند، ولی دولت‌های درگیر قانوناً حق دارند رزمندگان را برای بازجویی یا جلوگیری آنها از شرکت مجدد در اقدامات خصمانه شدید بازداشت کنند. در چنین مواردی حقوق بین‌الملل آشکارا بر شرایط و مدت بازداشت حکم فرما بوده و از زندانیان در مقابل نوع رفتاری که در بالا توصیف شده حمایت می‌کند؛ اما دولت بوش از شناسایی زندانیان گوانتانامو مطابق حقوق بین‌الملل و تعهدات قانونی ناشی از آن خودداری کرده است.

۱. این تعبیر از دیدگاه کشور اقدام‌کننده (آمریکا) حکایت می‌کند و گرنه در مفهوم آنکه رزمنده افغان با چه کسی دشمنی کرده و یا اطلاق این واژه بر او چه مبنایی دارد قابل تأمل است. (مترجم)

۲. احترام به حرمت انسان

حقوق بشر دوستانه بین‌المللی بر رفتار دولت‌ها در زمان درگیری مسلحانه و نیز شرایط بازداشت رزمندگان دشمن حکم فرماست. حقوق مزبور طی قرن‌ها گسترش یافت، ولی وحشت از جنگ جهانی دوم بود که جامعه بین‌المللی را به توسعه مجموعه حقوقی مقتدری مبتنی بر کنوانسیون محدود کردن توسل به جنگ واداشت. چهار کنوانسیون ۱۹۴۹ ژنو و دو پروتکل الحاقی ۱۹۷۷ معاهداتی هستند که وجهه حقوق بشر دوستانه بین‌المللی را موجه می‌سازند. اصل اساسی کنوانسیون‌های ژنو این است که غیر رزمندگان، نظیر غیر نظامیان، اسیران جنگی و ملوانان کشتی‌های شکسته و غرق شده، استحقاق احترام به حرمت انسانی را داشته و باید مورد حمایت و رفتار انسانی قرار گیرند. کنوانسیون سوم ۱۹۴۹ ژنو به حمایت از اسیران جنگی اختصاص دارد. کنوانسیون یاد شده بر شرایط و مدت اسارت حکم فرما بوده و از اسیران جنگی در قبال تعقیب کیفری‌شان درباره اقدامات خشونت‌آمیزی که در میدان نبرد علیه رزمندگان دشمن مرتکب شده‌اند حمایت می‌کند و برای اسیرانی که به جرمی متهم شده‌اند نیز حمایت‌های قانونی ای مقرر می‌دارد.

کنوانسیون‌های ژنو آشکارا بر درگیری نظامی ایالات متحده در افغانستان اعمال می‌شود (عملیات آزادی پایدار)^(۱). تمامی چهار کنوانسیون ژنو در مدت درگیری مسلحانه بین‌المللی بین دولت‌های عضو این کنوانسیون‌ها اعمال می‌شوند. از آنجا که افغانستان و ایالات متحده هر دو از اعضای کنوانسیون ژنو^(۲) بوده و نیز این دو کشور درگیری مسلحانه داشتند،^(۳) لذا

1. Operation Enduring Freedom.

۲. البته این نکته نباید فراموش شود که دولت آمریکا آغازگر تهاجم به افغانستان بوده و دولت افغانستان هم عملاً قادر به درگیری مسلحانه جدی با آمریکا نبوده است. بنابراین نمی‌توان این وضعیت را به معنای دقیق کلمه، درگیری مسلحانه طرفین نامید. (مترجم)

کنوانسیون‌های مزبور برای آنها الزام‌آور است. همچنین کنوانسیون‌های ژنو در مواردی که یکی از طرف‌های درگیر عضو این کنوانسیون‌ها نبوده، ولی مقررات آنها را پذیرفته و اجرا کرده، اعمال می‌گردد. کنوانسیون‌های مزبور از واژه «درگیری مسلحانه» تفسیری موسع ارائه کرده‌اند، به گونه‌ای که (در تحقق آن) نیازی به اعلان رسمی جنگ نیست.

به موجب کنوانسیون سوم ۱۹۴۹ ژنو، رزمندگانی که به دست دشمن گرفتار می‌شوند، اسیران جنگی فرض شده و استحقاق کلیه حمایت‌های متعلق به آن وضعیت حقوقی را دارند. «رزمندگان»، اعضای نیروهای مسلح یک طرف شناخته شده در درگیری از جمله شبه نظامیان و داوطلبان مردمی هستند. شبه نظامیان و داوطلبان مردمی دیگر (نظیر نیروهای متحد شمالی) نیز به شرط آنکه تحت فرمانده مسئولی بوده، و علامت مشخص‌کننده‌ای با خود داشته، و اسلحه‌شان را آشکارا حمل کرده باشند، و حقوق جنگ را اعمال کنند رزمنده تلقی می‌شوند. به علاوه «رزمنده» شامل اعضای نیروهای مسلحی که از سوی دشمن به رسمیت شناخته نشده‌اند (نظیر طالبان) نیز می‌گردد. واژه رزمنده حتی به اعضای فعلی و سابق نیروهای مسلح که توسط نیروهای اشغالگر بازداشت شده باشند نیز تعمیم داده می‌شود. در مواردی که وضعیت حقوقی اسیر جنگی مطرح است، کنوانسیون سوم ژنو صراحتاً مقرر می‌دارد که کلیه حمایت‌های مربوط به این وضعیت تا زمانی که دیوان صلاحیت‌داری در خصوص موضوع اتخاذ تصمیم کند اعمال می‌شود.

بدین ترتیب رزمندگانی که به اصطلاح در عملیات «آزادی پایدار» توسط ارتش ایالات متحده دستگیر شدند، استحقاق برخوردارگی از وضعیت اسیران جنگی و حمایت‌های مقرر در کنوانسیون سوم ۱۹۴۹ ژنو را دارند.

مبنای رفتار انسانی با اسیران جنگی این است که آنها مجرم نیستند، بلکه پسران، دختران، والدین و همسرانی هستند که دولت‌ها از طریق آنها متوسل به جنگ می‌شوند. برای تضمین احترام به حرمت انسانی، کنوانسیون سوم

۱۹۴۹ ژنو بر شرایط جسمی، روحی و روانی اسیران جنگی حکم فرما بوده، و محتوای آن شامل شرایط زیر است:

۱. اقامتگاهی مشابه اقامتگاه نیروهای مسلح دولت بازداشت‌کننده، بهداشت و غذای کافی، البسه مناسب و دسترسی به اشیای معمولی برای استفاده روزانه.

۲. آزادی انجام اعمال مذهبی، دسترسی به فعالیت‌های فکری و ورزشی و حمایت در مقابل بیگاری.

۳. امکان دسترسی به کمک‌ها، مکاتبه با خانواده، و داشتن نماینده منتخب نزد مقامات نظامی.

۴. حمایت در قبال تعقیب کیفری درباره اقدامات خصمانه مشروع و مجازات دسته‌جمعی.

اگر اسیر جنگی به جرمی متهم شود، کنوانسیون سوم ۱۹۴۹ ژنو حمایت‌هایی مربوط به رعایت تشریفات در نظر گرفته که شامل این موارد می‌شود: تفهیم اتهام، دسترسی به وکیل معاضدتی، فرصت برای ارائه لایحه دفاعیه، ممنوعیت بازداشت دراز مدت پیش از محاکمه، و محاکمه توسط دیوان بی طرف و مستقل.

ایالات متحده به طور سنتی حمایت از اسیران جنگی (مقرر شده در کنوانسیون سوم ۱۹۴۹ ژنو) را به رسمیت شناخته است. در زمان جنگ‌های ویتنام، کره و خلیج فارس نیروهای نظامی آمریکا به رزمندگان دستگیرشده دشمن وضعیت اسیران جنگی با حمایت‌های لازم را دادند. در مواردی که تردیدی در وضعیت اسیر جنگی بود، نیروهای نظامی آمریکا از دستورالعمل عملیات میدانی مربوط به کنوانسیون پیروی کرده و همه حمایت‌های مربوط به وضعیت اسیر جنگی را تا زمانی که دیوان صلاحیت‌دار افسران در این خصوص تصمیم بگیرد اعمال کردند. از ۱۹۴۹ نیروهای نظامی ایالات متحده هزاران دیوان در این رابطه تشکیل داده‌اند. ولی رویه مزبور در عملیات آزادی

پایدار افغانستان ادامه نیافته است.

۳. وضعیت حقوقی نامعلوم

دولت بوش به رغم اینکه مدعی احترام به کنوانسیون‌های ژنو است، از اعلام وضعیت زندانیان خلیج گواتانامو به عنوان اسیر جنگی خودداری کرده؛ در عوض به آنها وضعیت حقوقی نامعلوم داده است. همان‌طور که رامسفلد^(۱) وزیر دفاع آمریکا گفته «از نظر فنی زندانیان گواتانامو رزمندگان غیرقانونی بوده‌اند که به موجب کنوانسیون ژنو از هیچ‌گونه حقوقی برخوردار نیستند.»

واژه نامعلوم و نامشخص مزبور در کنوانسیون ژنو جایگاهی قانونی نداشته، و تنها توجیه‌کننده ادعای دولت آمریکاست که زندانیان مذکور مورد حمایت کنوانسیون سوم ۱۹۴۹ ژنو قرار نمی‌گیرند. اگرچه ادله روشنی از وضعیت اسیران جنگی زندانیان حمایت می‌کند، ولی دولت ایالات متحده از تشکیل دیوان‌های صلاحیت‌دار برای حل این موضوع خودداری کرده است. در عین حال دولت بوش (در خصوص عدم اجرای قوانین داخلی آمریکا درباره زندانیان گواتانامو) در دادگاه‌های این کشور استدلال موفقیت‌آمیزی کرده که قانون ایالات متحده از زندانیان حمایت نمی‌کند، زیرا آنها در خاک آمریکا نیستند. این موضع زندانیان را در وضعیت معلقی قرار می‌دهد که آنها فقط به حمایت‌هایی که دولت آمریکا تصمیم به اعمال آنها گرفته باشد، دسترسی دارند.

این انکار وضعیت حقوقی از سوی آمریکا که به منظور اجتناب از تعهدات مقرر در کنوانسیون‌ها صورت می‌گیرد، ناقض نص و روح کنوانسیون‌های ژنو است. در یک نقل قول دیگر، رامسفلد زندانیان را به عنوان «رزمندگان دشمن که ما آنها را در میدان نبرد دستگیر کردیم، توصیف می‌کند»؛ به عبارت دیگر

1. Donald Rumfeld.

اسیران جنگی، مورد حمایت کنوانسیون سوم ۱۹۴۹ ژنو قرار می‌گیرند، یا حداقل استحقاق بررسی تعیین وضعیت توسط دیوان را دارند.

موضع دولت بوش با نص صریح کنوانسیون‌ها سازگاری ندارد و علاوه بر آن روح کنوانسیون‌ها را نیز نقض می‌کند (چرا که مبتنی بر این ایده‌اند که): رزمندگانی که در دست دشمن‌اند استحقاق احترام به منزلت انسانی و نیز وضعیت‌شان به عنوان رزمنده را دارند. سلول‌های شلوغ؛ غل و زنجیر؛ و محدودیت‌های شدید (در تمرینات ورزشی، بهداشت شخصی و ارتباطات) در اردوگاه دلتا ناقض اصل اساسی کنوانسیون‌هاست. تلاش دولت آمریکا در توجیه رفتارش صرفاً با انکار اینکه زندانیان اسیران جنگی هستند، غیرقانونی است. اگر عدم ایفای تعهدات (ناشی از کنوانسیون‌های ژنو) به این سهولت باشد، از این پس کنوانسیون‌های یاد شده اهمیت عملی نخواهند داشت.

عدم شناسایی وضعیت اسیر جنگی برای زندانیان دو نگرانی مهم دولت آمریکا را برطرف ساخت: (۱) اعلام وضعیت اسیر جنگی زندانیان ممکن است مانع بازجویی از آنها شود و (۲) وضعیت اسیر جنگی می‌توانست آزادی اجباری زندانیانی را که در واقع تروریست جنگی بودند به همراه داشته باشد. اما اعلام وضعیت اسیر جنگی توانایی بازجویی یا تعقیب را در مقایسه با تعهدات قانونی قابل اجرای دیگر محدود نمی‌کند.

۴. بازجویی

ماده ۱۷ کنوانسیون‌های ژنو مقرر می‌دارد که اسیران جنگی باید فقط نام، شماره سریال، و تاریخ تولدشان را در بازجویی بیان کنند؛ البته تقاضای اطلاعات بیشتر را منع نمی‌کند، هرچند که اخذ اطلاعات در بعضی از موارد با صرف نظر از وضعیت اسیر جنگی مشکل است. اگرچه ماده مزبور به کارگیری فشار فیزیکی برای کسب اطلاعات را ممنوع کرده، قوانین آمریکا و مقررات بین‌المللی (برای مثال ماده ۱۸ قانون U.S.C. Sec. 230A، کنوانسیون

منع شکنجه؛ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی) نیز در این خصوص قابل اعمال هستند. اعلام وضعیت اسیر جنگی استفاده از شرایطی نظیر آنچه در اردوگاه دلنا برای مجازات زندانیان یا «ملایم کردن آنها» برای بازجویی وجود دارد را ممنوع کرده؛ ولی با صرف نظر از وضعیت رسمی، اصل بنیادین کنوانسیون‌های ژنو - بدین مضمون که رزمندگان فی نفسه مجرم نبوده و مستحق رفتار انسانی‌اند - چنین رفتاری را ممنوع کرده است.

۵. آزادی از زندان

ماده ۱۱۸ کنوانسیون سوم ژنو تصریح می‌کند که اسیران جنگی «باید پس از پایان درگیری، بدون تأخیر، آزاد و به میهن‌شان بازگردانده شوند». اما با وجود تعهدات قانونی و اتمام جنگ در افغانستان، دولت ایالات متحده زندانیان را همچنان نگه داشته است. رامسفلد در پاسخ به سؤالی که در رابطه با (زمان) آزادی زندانیان مطرح شده، اظهار داشته: «تا زمانی که ما احساس کنیم شبکه‌های تروریستی جهانی با عملکرد مؤثری وجود نداشته باشند تا زندانیان خلیج گوانتانامو به آن شبکه‌ها برگردند، و به فعالیت‌های تروریستی‌شان ادامه دهند.» همچنین بسیاری از مقامات دولتی آمریکا از جمله رئیس‌جمهور این کشور به طور علنی اعلام کرده‌اند که همه زندانیان خلیج گوانتانامو «قاتل» و «تروریست» هستند تا اینکه رزمنده باشند. این بدان معناست که هیأت حاکمه آمریکا زندانیان را به دلیل اقداماتی غیر از اقدامات مشروع خصمانه در زمان جنگ در افغانستان نگه داشته است. اگرچه کنوانسیون‌های ژنو تعقیب و مجازات در مورد جرائم را مقرر داشته، تا به امروز حتی یک زندانی خلیج گوانتانامو به هیچ عمل مجرمانه‌ای متهم و یا محکوم نشده است.^(۱)

۱. بنا به گزارش خبرگزاری‌ها در اوت سال ۲۰۰۴، برای اولین بار، محاکمه چند نفر از زندانیان

این نگرانی که شناسایی وضعیت اسیر جنگی از بازداشت، محاکمه و مجازات تروریست‌ها جلوگیری می‌کند، کاملاً نابه‌جاست. تروریسم اقدامی مجرمانه می‌باشد که نه کنوانسیون‌های ژنو از آن حمایت می‌کند و نه وضعیت اسیر جنگی؛ ولی تعقیب کیفری مستلزم رعایت تشریفات اساسی است. برای مثال کنوانسیون‌های ژنو مقرر می‌دارد که دولت‌های تعقیب‌کننده ملزم به رعایت تشریفات اساسی، نسبت به متهمان نظیر تفهیم اتهام، دسترسی به وکیل معاضدتی، فرصت ارائه لایحه دفاعیه و محاکمه نزد دیوان بی‌طرف و مستقل در ظرف مدت معقول از زمان اتهام هستند. شرایط مختص کنوانسیون‌های ژنو نیست. گرچه اینکه آیا حمایت‌های قانونی ایالات متحده در خصوص زندانیان خلیج گواتانامو اجرا خواهند شد یا خیر؟ در هاله‌ای از ابهام است؛ رعایت تشریفات بنیادی به طور مسلم در حقوق بین‌الملل عرفی، حقوق بین‌الملل قراردادی، و در قوانین اکثر کشورها جا افتاده به طوری که تشریفات مذکور حتی نسبت به هرمن گورینگ^(۱) و اسلوبدان میلوسوویچ^(۲) هم رعایت گردید. به کار گرفتن وضعیت نامعلوم حقوقی «رزمنده غیرقانونی» ترفندی است برای اجتناب از تعهدات قانونی در رابطه با رعایت تشریفات کیفری که لازم است ایالات متحده در این خصوص در مقابل به اسناد دیگری غیر از کنوانسیون‌های ژنو استدلال کند.

۶. به مخاطره انداختن اعتبار ایالات متحده

فشار سیاسی بین‌المللی از سوی دولت‌ها، متخصصان حقوقی، روزنامه‌نگاران و سازمان‌های غیر دولتی علیه آمریکا برای اجرای کنوانسیون‌های ژنو شدید است. در مقابل، دولت ایالات متحده به کمیته

در دادگاه نظامی انجام گرفت. (مترجم)

1. Herman Goering.
2. Slobodan Milosevic.

بین‌المللی صلیب سرخ اجازه داده است تا نقش نظارتی‌اش را به طور سنتی اعمال کند (از جمله دسترسی به زندانیان گوانتانامو)، تا نشان دهد این دولت از روح (نه از نص) کنوانسیون‌ها پیروی خواهد کرد. برای مثال دولت آمریکا همچنان نسبت به بسیاری از حمایت‌های بنیادی مربوط به شرایط زندان، رعایت تشریفات، و بازگرداندن زندانیان به کشورشان بی‌توجه است.

با انکار تعهدات قراردادی و تعهدات ناشی از حقوق عرفی، اعتبار ایالات متحده از لحاظ حامی قواعد قانونی به مخاطره می‌افتد. اگر دولت‌ها متوجه بی‌تفاوتی ابرقدرت‌های جهان نسبت به قواعد قانونی شوند، میزان احترام‌شان به آن قواعد کاهش می‌یابد. نقض تعهدات قانونی از سوی دولت بوش سبب شد تا دولت‌های دیگر در اعمال محدودیت‌های طاقت‌فرسا در زمینه آزادی‌های مدنی به بهانه امنیت ملی تشویق شوند. علاوه بر این استنفاف از بازگرداندن اسیران جنگی و همچنین محاکمه نظامی آنها بدون رعایت تشریفات بنیادی، نقض اساسی کنوانسیون‌ها بوده و می‌تواند جرائم جنگی را تشکیل دهد. استنفاف از اعطای حمایت‌های مقرر شده در کنوانسیون‌ها به دیگران، همچنین این خطر را دارد که نظامیان آمریکایی از حمایت‌های مزبور در خارج محروم شوند.

به عنوان تنها ابر قدرت باقی مانده جهان این ایالات متحده است که با عدم احترام به حمایت‌های مقرر در کنوانسیون‌ها بیشترین ضرر را خواهد کرد. هر کجا که نظامیان آمریکا مشغول درگیری مسلحانه می‌شوند، ایالات متحده اصرار دارد که سربازانش مشمول حمایت‌های پیش‌بینی شده در کنوانسیون‌ها گردند. اگر آمریکا خودش متعهد به حمایت‌های مزبور نباشد، استدلال‌های این کشور بی‌ثمر خواهد بود.

با توجه به وضعیت جاری زندان که موجب از دست دادن بسیاری چیزها در مقابل کسب منافع اندک شده است، دولت بوش باید در موضعش تجدیدنظر کرده و حمایت کامل مقرر شده در کنوانسیون‌ها را برای زندانیان

خلیج گواتانامو فراهم سازد. اگر اسیران جنگی مرتکب اعمال مجرمانه شده‌اند باید با آنها همچون مجرم برخورد شود. کنوانسیون‌های ژنو مقرر می‌دارد که فقط تشریفات اساسی باید محترم شمرده شود. با صرف نظر از اعتقاد دولت آمریکا، این کشور با انکار حقوق اساسی شناخته شده بین‌المللی عوایدی به دست می‌آورد که باید در مقابل ارزش‌های سنتی آمریکا که برای حرمت انسانی در سراسر جهان مبارزه کرده است و هنوز خواهان دارد^(۱) سنجیده شود.



۱. تأکید بر ارزش‌های سنتی‌ای که آمریکا به دنبال آن بوده است بیشتر مبتنی بر تعصبات آمریکایی نویسنده مقاله است تا واقعیت‌های تاریخی. (مترجم)